

سده اول تطور منطق اسلامی*

■ نویسنده: نیکلاس رشر

ترجمه حسن عباس حسین آبادی

فصل حاضر همین موضع را در برمی‌گیرد و مطالعات منطقی بین مسلمین را از آغاز در حدود سالهای ۸۰۰ م تا ۹۰۰ م یعنی زمان مرگ شاگردان و همکاران حنین بن اسحاق، محقق بزرگ توضیح می‌دهد. کارها و فعالیت‌های حنین بن اسحاق در انتقال منطق یونانی به نظام زبان عربی سهم بسزایی داشته است.

۲- واسطان مسیحی سریانی و انتقال منطق یونانی به مسلمین: وقتی که مسلمین پس از وفات محمد(ص) در سال ۶۳۲ م از شبه جزیره ظهور کردند، مناطقی که سریانی زبانهای مسیحی شام و عراق ساکن شده بودند، در مراحل ابتدایی فراگیر بود. در این مناطق که فِرَق مختلف مسیحی (اساساً نستوریها و یعقوبیها) حضور داشتند و تعالیم یونانی اسکندرانی بدانجا انتقال یافته بود، مکاتب اعتقادیشان از سوی شاخه‌های بزرگ و قدرتمند یکسانی مسیحی بخاطر بدعتگذاری محکوم می‌گردید. همانگونه که مشهور است، این اقلیت‌های مسیحی تحت حاکمیت قدرت اسلامی مانند «جزیره خودگردان» که اعضای آن از شئون پیروان مذاهب رسمی در اسلام (مسیحیت، یهود و صابئیان) برخوردار بودند، همواره به شکوفایی و ترقی خود ادامه داده‌اند. مسیحیان سریانی به حفاظت از دستاوردهای علم یونانی ادامه دادند و مسلمین از طریق آنها و باحق غلبه و فتح، وارث این میراث گردیدند.^۱

فِرَق سریانی زبان مسیحی به مؤلفان ریاضیات، نجوم و پزشکی روی آوردند. همانگونه که به فیلسوفان یونانی روی نمودند.^۲ (همه شاخه‌های علم یونانی با مطالعات

چکیده

در حالیکه درباره پزشکی، نجوم، ریاضیات، فلسفه اسلامی و غیره... مطالب زیادی بنگارش درآمده است، اما درباره سرگذشت تکامل تحقیقات منطقی اسلام، تلاش جدی صورت نپذیرفته است. در نتیجه، این بخش مهم از تاریخ فکری اسلام تقریباً بطور کامل ناگشوده باقی مانده است. علیرغم اینکه یک تصویر کلی و دقیق، بدقت یک تصویر هوایی، هنوز ترسیم نشده است، اما هم اکنون مواد کافی برای ساختن این تصویر کلی در دسترس است تا یک نمای کلی تقریبی از این حوزه (مطالعاتی) ترسیم شود. ما این غایت محدود را در اینجا دنبال می‌کنیم.

کلیدواژه

منطق؛

بیت الحکمه؛

سریانی؛

ترجمه؛

مقدمه مترجم

نیکلاس رشر منتقدان معاصر آلمانی صاحب‌نظر در فلسفه قرون وسطی و فلسفه تحلیلی می‌باشد که تاکنون دهها اثر در زمینه‌های مختلف از وی به چاپ رسیده است. در زمینه منطق عربی [اسلامی] و تاریخ آن هم تحقیقات عمیقی داشته است که از آن جمله می‌توان به development of arabic logic اشاره کرد.

این کتاب در دو بخش نگاشته شده است بخش اول به سیر منطق در جهان اسلام تا پایان مکتب شیراز می‌پردازد و در بخش دوم به سرگذشت و آثار یکصد و شصت و شش منتقدان مسلمان اشاره می‌کند. این مقاله، نخستین مقاله بخش اول این کتاب می‌باشد.

فصل اول: منطق اسلامی در سده نخست

(از ۸۰۰ تا ۹۰۰ م)

۱- مقدمه: هیچ نسبتی بین منطق اسلامی و فلسفه شرقی وجود ندارد، درست همانند سایر علوم اسلامی و فلسفه اسلامی که کاملاً غربی است. زیرا منطق اسلامی کاملاً در سنت کهن یونانی، تطور یافته و حفظ شده است و از طریق ارسطوئیان متأخر یونانی (به اسلام) منتقل شده است. سخن گفتن از «منطق اسلامی» در قرن اول هجری در واقع بیان سرگذشت انتقال منطق یونانی به حوزه اسلامی می‌باشد.

*- مؤلف بشیوه مغرضانه یا ناآگاهانه غربی، منطق اسلامی را

منطق عربی نامیده که بدینوسیله اصلاح می‌شود. «خردنامه»

۱- برای مطالعه تفصیلی درباره تطورات که در این پاراگراف بدانها اشاره رفت به اولیری: «چگونه علم یونانی به عربها منتقل شده» و میرهوف: «از اسکندریه تا بغداد» مراجعه کنید.

۲- مسیحی‌سازی آثار ارسطو (بویزه استفاده از منطق برای اهداف جزئی) که توسط جان فیلوپونس آغاز شده بود، تأثیر

مقدمه، در آغاز ارغنون ارسطو قرار داده شد و سپس کتاب خطابه و شعر به آخر آن اضافه گردید.^{۱۰}

عمیقی بر مسیحیت شرقی نهاد.

۳- در آن وقت (حدود ۸۰۰م) پزشکی دارای شأن والایی بود و بعنوان مهمترین شکل آموزش علمی مورد توجه بود و نهایتاً آموزش پزشکی آنقدر عمومیت یافته بود که علمای نستوری و یعقوبی در آسیا غالباً آموزش پزشکی می‌دیدند تا آموزش مطالعات انسانی، اولیری: HGSPTA ص ۱۶۳.

۴- جالینوس با قطعیت اظهار داشت که «مطالعه ریاضیات و منطق، شرط فهم دقیق کتب پزشکی است.» (De placitis Hippocraticis et platonis). در اینجا بحث جالب توجهی درباره نظریه انتقال علم و فلسفه یونانی به سریانی‌ها و عربها (im schlepptau der medzin) در کتاب آر، پارت: «اسلام و میراث یونانی»، ۱۹۵۰، ص ۱۸ و ۲۱ نگاه کنید. همچنین به دیلاسی اولیری: «تأثیر جالینوس در فلسفه عربی» نگاه کنید به جرنال تاریخی هند، مجلد ۲۲۹۱۲ - ۲۳، ص ۲۳۳ تا ص ۲۳۸.

۵- همانجا، ص ۷۱، این برنامه‌ها بر اساس سبک اسکندرانی تنظیم شده است. همانطور که اولیری (O'Leary) مورد توجه قرار داده است. درباره آکادمی‌های سریانی بطور کلی به مایر هوف: «VNAB» (ص ۴۰۰ به بعد) مراجعه کنید. جندی شاپور که در دوران خسرو انوشیروان فعال گردید؛ همانجا بود که دانشمندان یونانی در سال ۵۲۹م وقتی که «جستین» آکادمی آن را تعطیل کرد، بدانجا فرار کردند و از آنجا بود که پزشکی یونانی (و فلسفه یونانی) راه خود را به بغداد در زمان حکومت هارون الرشید (۸۰۹م) هموار ساخت (نگاه کنید به د.م. و فلوب؛ دائرة المعارف اسلامی، چاپ دوم، ص ۱۲۲۳).

۶- همانجا، ص ۶۱ و ۷۰ و ۷۱ و ما بعد. به جایگاه منطق در برنامه آموزشی آکادمی‌های سریانی مراجعه کنید به: خلیل جز: «GA».

۷- بوستارک در کتاب «ارسطو نزد سریانیها از قرن پنجم تا قرن هشتم» (ABDS) در جلد اول، ص ۱۶۲. او اشاره نموده است که اخوان الصفا این ساختار را اخذ نموده کسانی که در حدود سالهای ۹۷۰ تا حدود ۱۰۳۰ در بغداد مشهور بودند.

۸- اولیری، HGSPTA، ص ۹۳.

۹- اولیری، HGSPTA، ص ۵۲ و ص ۶۱. برای مطالعه بیشتر نگاه کنید به: آبوستارک: «ABDS» (لایبزیگ ۱۹۰۰م)، خود نویسنده: تاریخ ادبیات سریانی (بن ۱۹۲۲م) اس. شاتر: «فلسفه مشایی نزد سریانیها و اعراب در آرشو تاریخ فلسفه» جلد ۱۷ (۱۹۰۴) ص ۵۱۶ تا ص ۵۲۳ و مقاله ت.وی بوز: «از ارسطو در دائرة المعارف اسلامی، چاپ اول و مقاله: آر. والنرز: «در دائرة المعارف اسلامی» چاپ دوم و در منابع سریانی - عربی ارسطویی نک سارتون: «مقدمه‌ای بر تاریخ علم و خلاصه‌اش THS» جلد اول، ص ۱۰۳ و و.کسوتش: «در تاریخ ترجمه‌های سریانی عبری» اورن-تالیالیا *ubersetzungsfliteataur Geschicatte der syrisch-arabischen*، جلد ۶، (۱۹۳۷)، ص ۶۸ تا ص ۸۲ و:ام. هورتین در کتاب اورفیج جیبر «فلسفی مشایی و فلسفه مدرسی (و خلاصه P.S.P) ص ۷۱۵ تا ۷۱۶ و مقدمه کتاب ن. ریشتر: «شرح کوتاه فارابی بر کتاب قیاس ارسطو» (پترزبورگ ۱۹۳۶).

۱۰- در خصوص نحوه قرار دادن کتاب شعر در مجموعه آثار

الهیات ارتباط تنگاتنگی برقرار کرده بود، زیرا علم و فلسفه یونانی با ایجاد تصور عقلانی باعث شد، الهیات این کلیساها سیاق واضح خود را پیدا کنند). بویژه پزشکی پلی بین علوم و الهیات بوجود آورد و بسیاری از متألّهان مسیحی سریانی همانگونه که برای طبابت جسم تربیت می‌شدند، برای طبابت روح نیز آموزش می‌دیدند.^۳ و همانطور که بعداً خواهیم دید، منطق در این موقعیت بعنوان جزء لاینفک دوره آموزشی مطالعات پزشکی - آنگونه که در حوزه اسکندری رایج بود - بشمار می‌رفت، درست همانگونه که جالینوس بزرگ بدان توصیه کرده بود.^۴

مدارس نستوری برنامه‌های آموزشی خود را به دو بخش تقسیم می‌کردند:

۱- یک دوره مقدماتی بمنظور آماده سازی طلاب.

۲- دوره پیشرفته در یک یا هر سه حوزه تخصصی: نجوم، پزشکی و الهیات.

بعنوان مثال، مدرسه نستوری در جندی شاپور ایران (در ۱۰۰ مایلی شرق بغداد) دارای یک دانشکده پزشکی (با یک بیمارستان آموزشی در کنار خود) و یک دانشکده نجوم (با یک رصدخانه) بود.^۵ در کنار ریاضیات، منطق یک موضوع محوری آموزشی مقدماتی بود و بنابراین نقش مهمی بعنوان پلی مشترک بین شاخه‌های گوناگون علم ایفا می‌کرد.^۶ سازماندهی برنامه آموزشی و تربیتی بر اساس نظم و ترتیب علوم، نزد فیلسوفان سریانی زبان منعکس گردیده است: اول، منطق سپس ریاضیات، نهایتاً طبیعیات (شامل علم النفس) و الهیات.^۷ بنابراین اگر موارد مشابهی بیابیم که متألّهان میژز یعقوبیه مانند سویروس یسویخت که رسالاتی درباره منطق و نجوم و الهیات نوشته، تعجب برانگیز نخواهد بود.^۸ در نتیجه این برنامه‌ها، آثار منطقی ارسطو ترجمه شده و بوسیله سریانی زبانهای سوریه و عراق، بطور وسیع مورد تحقیق و تحلیل قرار گرفت. این سنت سریانی اداهم سنت اسکندرانی در حوالی قرن پنجم و ششم میلادی بود.

اطلاعات زیادی در مورد ترجمه سریانی آثار منطقی ارسطو در دست داریم؛ در حقیقت بسیاری از این کتابها هنوز موجود بوده و بعضی از آنها نیز منتشر گردیده‌اند. (این کتابها شامل مقولات «Categoria»، عبارت «de interpretation» و قیاس اولی «Analytical priora» می‌باشند)^۹ یساغوجی (کلیات خمس) فروریوس بعنوان

در نتیجه، شارحان سریانی منطق ارسطویی به دسته‌بندی اساسی آثار منطقی زیر دست یافتند^{۱۱}. ایساغوجی (فروریوس)، مقولات، عبارت، قیاس اول (قیاس)، قیاس دوم (برهان)، جدل، مغالطات، خطابه و شعر. اعتقاد بر این است که این نه کتاب منطقی به‌عنوان ابواب مشخص و اصلی منطق قلمداد می‌گردد که هر کدام بر متن استاندارد خود استوار است. این ساختار منطق ارسطویی بوسیله مسلمین اخذ گردید و ساختار اخیر ماده موضوع منطق بدست آمد.

در حقیقت، همه این تفصیلات پیرامون ویژگی منطق ارسطویی در قالب سریانی‌ش که موضوعاتی از قبیل تنظیم آثار منطقی، تاکید بر «کتب چهارگانه» تصور جایگاه منطق در میان علوم و نقش منطق در برنامه آموزش پزشکی و نجوم را در بر می‌گرفت به حوزه اسلامی منتقل شد. (البته کلام اسلامی قبل از اینکه مکتب مدرسی در قرن ۱۳ هجری تبدیل به یک مکتب شود، شاکله خود را ایجاد کرده بود).

منطق، مدت‌های مدیدی نقش محوری را در آموزش پزشکان بر عهده داشته و ما این امر را به‌عنوان دلیل اصلی شکوفایی منطق در زبان عربی از قرن نهم تا قرن یازدهم میلادی بشمار می‌آوریم. بنابراین ما مرهون «نویسندگان مسلمان» هستیم همانطور که مرهون اسلاف سریانی‌شان

باب	نام عربی	نام یونانی	نام فارسی
۱- مقدمه	۲- ایساغوجی	ایساغوجی	مقدمه (مدخل)
۲- مقولات	مقولات	قاطیغوریاس	مقولات
۳- پاری ارمیاس	عبارت	de Interpretation	عبارت
۴- تحلیلات	قیاس	آنالوطیقای اول	قیاس
۵- قطعیات	برهان	آنالوطیقای دوم	برهان
۶- جدلیات	جدل	طوبیقا	جدل
۷- مغالطات	مغالطه	سوفسطیقا	مغالطه
۸- خطابه	خطابه	ریطوریقا	خطابه
۹- شعر	شعر	بیطوریقا	شعر

به مجموع این کتابهای نهگانه یا مجموع کتابهای هشتگانه باستانهای کتاب شعر (یا کتاب ایساغوجی) ارغنون اطلاق می‌گردد. چهار ساله نخست (گویا نخستین رساله‌هایی بودند که بزبان سریانی قبل از ۸۰۰ م ترجمه شده‌اند). کتب چهارگانه در منطق نامیده می‌شوند. (این بدان سبب است که این کتب چهارگانه موضوع مطالعات منطقی در مدارس سریانی را تشکیل می‌داد^{۱۲}) این نظام منطقی ارغنون از ارسطوئیان نوافلاطونی اسکندریه گرفته شده بود^{۱۳}.

در مطالعه منطق ارسطویی میان مسیحیان سریانی تاکید بر کتب چهارگانه امری تصادفی نبود، بلکه آنها به‌عنوان اساس مطالعات منطقی واقع شدند. کتاب آنالوطیقای اول (برهان) به‌عنوان موضع شک در استدلالات الهیاتی تلقی می‌شد و تاکید آن بر کتابهای قبل از آن در منطق ارغنون بود^{۱۴}. این بدین معنا نیست که محققان، رسائل منطقی دیگر را نمی‌خواندند. بیان دقیقتر این رسائل در اختیار متخصصین ماهر باقی مانده بود، در حالیکه دانشجویان عادی خود را به کتب چهارگانه که با ترجمه سریانی در دسترس آنها بود محدود کردند^{۱۵}.

منطقی ارسطو توسط اسکندرانها و نیز برای بدست آوردن اطلاعات درباره چگونگی انتقال منطق یونانی به عربها نک: آر.الزری: «تأثیر کتاب شعر ارسطو بر تحقیقات ایتالیایی در حوزه لغت‌شناسی کلاسیک» جلد ۱، ۱۹۳۴) ص ۵ تا ۱۴. همچنین نک: جارسلسون نکاتس: «ترجمه عربی کتاب شعر ارسطو» (آکادمی علوم و بیسن فن در وین، قسمت اول، ۱۹۲۸) قسمت دوم (۱۹۳۲) و انضمام کتابهای شعر و خطابه به آثار منطقی به سمبلیکوس (حدود ۵۳۰ م) بر می‌گردد. نک. آدورنچ: «ارسطو در کتب تذکره کلاسیک» و بول مرورو: «کتاب نمای قدیمی ارسطو» (۱۹۵۱) ص ۱۷۲ تا ۱۸۳. ۱۱- اولیری، HGSPTA ص ۱۵۹: «کلمه Politics اشتباه در مکان کلمه Poetics نوشته شده است).

۱۲- نگاه کنید به: خلیل، جور: «CA» ص ۸۱.

۱۳- فردریک سولمس: «بیونپوس و تاریخ ارغنون»، (American Journal of philosophy) شماره ۶۵، ۱۹۴۴، ص ۶۹ تا ۷۴. «نگاه کنید: ص ۷۳ تا ۷۴».

۱۴- استنپندر: «ترجمه‌های عربی از یونان» ص ۴۱ و مایر هوف: VANB، ص ۴۰۶ (عالی) نظریه قیاسهای موجه عرضه شده در قیاس نزدیک و هم مرز با نظریه معرفت مطرح شده در برهان است. با وجود اینکه از حوزه علم و اطلاعات، آموزندگان سریانی و عربی قدیم بدور بوده است. ص ۳۹۳ و ص ۳۹۴ (مأخوذ از فارابی) و ن.ریشر: «فارابی در سنت منطقی»، (Journal Of History of Ideas) شماره ۲۴، (۱۹۶۳) ص ۱۲۷ و ۱۳۲. (چاپ مجدد در کتاب ریشر (Shal).

۱۵- همه این عناصر مفهوم مسیحی سریانی منطق ممکن است در آراء قدیس حان دمشقی موجود باشد. «نگاه کنید به: اروانرر: «NLATA» ص ۹۳، ص ۱۲۹.

می‌باشیم، زیرا نویسندگان بزرگ پزشکی معمولاً شارحان و مفسران منطق ارسطویی بودند همانطور که شارحان و مفسران آثار جالینوس نیز بودند^{۱۶}. نه فقط رازی و ابن‌سینا در این سنت پزشکی - فلسفی، بلکه کسانی همچون ابن‌بیهون در اواخر قرن دوازدهم میلادی در اسپانیا، تنها کتاب منطقی‌اش را هنگام جوانی و زمانی که مطالعات مقدماتی خود را می‌گذراند، بنگارش در آورد.

قسمت اعظم افتخار انتقال منطق یونانی به مسلمین از آن نستوریاها می‌باشد^{۱۷}. آکادمی نستوریاها در جندی‌شاپور مرکز آموزش نخستین نسل مترجمان عربی متون منطقی یونانی بود. جبریل ابن‌بختیشوع، پزشک هارون الرشید و وزیرش جعفر برمکی (کسی که علم یونانی را در دربار گسترش داد) در جندی‌شاپور آموزش دیده بود^{۱۸} و بعنوان رئیس آکادمی و مدیر بیمارستان خدمت می‌کردند^{۱۹}. ابو زکریا یحیی (یوحنا) ابن‌ماسویه، جانشین وی در این دوره (۸۵۷ م) جندی‌شاپور را به توصیه جبریل بن‌بختیشوع به مقصد بغداد برای خدمت در دربار ترک کرد. علاوه بر این، مسئولیت ترجمه نیز به وی واگذار گردیده^{۲۰} و به امر خلیفه، مأمون، در حدود سال ۸۳۰ میلادی مرکز ترجمه «بیت الحکمة» را تاسیس نمود که این مرکز در بعضی از زمینه‌ها از مدل جندی‌شاپور پیروی می‌کرد. حنین بن‌اسحاق مشهور جانشین وی بعنوان مدیر این مرکز توسط او در همان سنت تربیت شده بود. در خلال شکوفایی این مرکز تحت مدیریت ابن‌ماسویه و بویژه در عصر حنین بن‌اسحاق و فرزندش و جانشین اسحاق؛ اعضاء اصلی مرکز غالباً از نستوریاها بودند.

یعقوبیان مشخصاً نقش کمتری در تطور منطق اسلامی داشتند، اما آنها بعضی از جوانب مشخص را ارائه کردند. در حالیکه نستوریان شروح آمونیوس را ترجیح می‌دادند، یعقوبیان علاقمند به شروح فیلوپونس (philoponus) بودند^{۲۱}. نستوریان بشدت متمایل به آراء گوناگون نو افلاطونیان اسکندرانی بودند و این گرایش به مسلمین نیز منتقل شده بود. (اهتمام به افلاطون نزد متقدمین همچون فارابی بیشتر مشخص بود).

جوامع مسیحی سریانی زبان تنها نیروی مؤثر در مطالعه اسلامی علم و فلسفه یونانی نبودند، اما تأثیر مستمرشان بطور آشکار در طول قرنهای نهم و دهم میلادی احساس می‌گردد. این تأثیر بقدری بود که در

عصر ابن‌سینا کانون توجه مهمی در مخالفت با آن بوجود آورد^{۲۲}.

بنابراین انتقال منطق یونانی به حوزه اسلامی کار مسیحیان سریانی زبان عراق و سوریه بویژه نستوریان بود. این انتقال بوسیله تصورات و تفاسیری که محققان سریانی از اسکندریه اخذ کرده بودند، القاء شده بود. این محققان معرفت زبان یونانی و تفکر یونانی در جهان اسلام را طی قرن نهم میلادی بخوبی زنده نگهداشتند^{۲۳}. میزان قابل توجهی از میراث نستوری معارف یونانی از طریق جندی‌شاپور از اسکندریه به بغداد منتقل شد^{۲۴}.

حنین بن‌اسحاق که تلاشهایش محور اصلی انتقال را شکل می‌داد، استمرار سنت پزشکی - منطقی را بشکل زیر نشان داد: «کتابهایی مرسوم بودند که اسکندرانیاها آموزش پزشکی را محدود به خواندن آنها کرده بودند. خواندن آنها باین ترتیب بود که هر روز برای خواندن و تفسیر یکی از کتابهای اصلی جمع شوند، همانگونه که امروزه مسیحیان نستوریاها برای خواندن یکی از کتابهای اصلی عهد عتیق در محلهای آموزش که «مدرسه» نامیده می‌شود، جمع می‌گردند. اما درباره کتابهای دیگر، معمولاً

۱۶- اولیری، «APTH»، ص ۱۱۱ و ص ۱۱۲.

۱۷- نگاه کنید به: گوهارد کلینج «اهمیت علماء دین سریانی ونفش واسطه‌های آنها در انتقال فلسفه یونانی به جهان اسلامی». بویژه نگاه کنید: ص ۳۵۵ و ۳۶۸.

۱۸- اولیری، HGSPTA، ص ۱۵۹. در خصوص خاندان برجسته پزشکی بخشبوع نگاه کنید به: مایر هوف: «VANB» ص ۴۰۲ به بعد و جراف: «GCAL» جلد دوم، ص ۱۰۹ و ۱۱۱ و د.سوردل: در دائره المعارف اسلامی، چاپ دوم، جلد یک، ص ۱۲۹۸.

۱۹- اولیری، همانجا، ص ۱۶۳.

۲۰- همانجا، ص ۱۶۳ و ۱۶۴.

۲۱- همانجا، ص ۶۱ تا ص ۷۰ و ص ۹۲. درباره نقش غیر قابل اغماض صائبیان حران نگاه کنید به: تشوولسون و بویژه ابن‌ندیم در کتابش «الفهرست» روایت نموده است. جلد ۲، ص ۱۳. صائبیان حران از برهان ارسطویی بعنوان اساس آراء خود در اقامه برهان استفاده کردند. آشکار است که این تأکید با تأکید نستوریان متفاوت است. به کتاب زیر نگاه کنید: از ریش، «شرح کوتاه فارابی بر ارسطو» (بطرزبورگ) (۱۹۶۳) ص ۱۸.

۲۲- نگاه کنید به: پینز

La philosophic orientale d'Avicenne et sa pole,mique contre les Baghdadiens.

Archives d,Histoire Doctrinale et Litteraive du moyen Age.

جلد ۱۹، ۱۹۵۲، ص ۵ تا ۳۷.

۲۳- اولیری، ATPH، پیشین، ص ۱۱۳ و ۱۱۴.

۲۴- اولیری، HGSPTA، پیشین، ص ۷۲.

افراد خودشان پس از فراگیری مواد اصلی کتابهای که ذکر شده، آنها را می‌خواندند، درست همانند «نستوریه‌ها» که امروز تفاسیر کتابهای متقدمین را می‌خوانند.^{۲۵}

نخستین نسل نویسندگان فلسفی و منطقی مسلمان همچون کندی، رازی و فارابی بمعنای واقعی کلمه محصول مدارس سریانی بودند. زیرا آنها دانش خود را از کسانی که در این مدارس آموزش دیده بودند، کسب کرده بودند. این سنت سریانی فقط ماده معرفت یونانی را به جهان اسلام منتقل نکرد، بلکه صورت و ساختار آن را نیز منتقل نمود.^{۲۶} ارسطوئیان مسلمان ادامه دهندگان کار (مکتب) یونانیگری یونانیان بودند و دانشمندان مسلمان همچون فارابی، ابن سینا و ابن رشد با محققان یونانی زبان همچون اسکندر افرویدیسی، فروریوس، تامسطیوس و آمونیوس در یک زنجیره قرار می‌گیرند.^{۲۷}

سرعت جذب منطق یونانی در حوزه مسلمان با وضع لفظ «منطق» برای آن بهتر آشکار می‌گردد. ابن سکیت، لغت‌شناس^{۲۸} (۸۵۷م) در رساله معروفش در زبان عربی به نام «اصلاح منطق» منطق را در معنای اصلیشان (نطق Logia) بکار برد. یک نسل بعد، پذیرش استفاده از هم‌ارزی فنی منطق و لوگیا (Logia) این استخدام را با مشکل مواجه ساخت.

۳- حمایت رسمی مطالعات منطقی در عصر

عباسی:

داستان رشد اهتمام به علم و فلسفه یونانی بطور وسیع در خلال دوران نخست خلافت عباسی بارها تکرار شده است و نیاز داریم که آن را در اینجا باختصار مورد ملاحظه قرار دهیم و توجه ویژه نسبت به تطوراتی که منطق را تحت تأثیر شود قرار داد، مبذول داریم.^{۲۹}

در خلال دوران خلافت امویان (۷۵۰ - ۶۶۱م) «علوم خارجی» کم مورد تشویق قرار گرفت، اما اوضاع با آمدن عباسیان تغییر کرد. منصور دومین خلیفه سلسله عباسیان (۷۵۵ - ۷۵۴) به نجوم بسیار علاقمند بود و مطالعات یونانی در این حوزه را مورد حمایت قرار داد. وی بدنبال یک بیماری در سال ۷۶۵م به پزشکی یونانی توجه خاصی نشان داد. هارون الرشید، خلیفه پنجم عباسی (۸۰۹ - ۷۸۶م) نیز حمایت از این تحقیقات را ادامه داد؛ و این برای منطق، بواسطه ارتباط نزدیکی بین مطالعات پزشکی در سنت یونانی از یکطرف و فلسفه یونانی (بوئزه منطق) از سوی دیگر (که در جوامع مسیحی سریانی زبان

- مهمترین منبع تخصصی پزشکی بدست آورده بود) مهم بود.

مأمون هفتمین خلیفه سلسله عباسی (۸۳۳ - ۸۱۳م) مطالعات علم یونانی را با علاقه چشمگیری حمایت می‌کرد و اهتمام خاصی به فلسفه یونانی ابراز می‌نمود. براساس منابع موثق، او به حنین بن اسحاق مترجم معروف، هموزن کتابهایی که ترجمه کرده بود طلا پرداخت می‌نمود. بیت الحکمة، (خانه خرد) مشهور که مأمون آن را در حوالی سال ۸۳۰ بیناد نهاد بود، در نوع خود یک مؤسسه تخصصی مطالعات پیشرفته حوزه ترجمه علم و فلسفه یونانی بشمار می‌رفت.^{۳۰} این مؤسسه در آغاز به مدیریت کشیش نستوری، یحیی ابن ماسوبه (یوحنا) (۸۵۷ - ۷۹۰) که متخصص ترجمه کتب پزشکی بود اداره می‌گردید.^{۳۱} در ادامه از حنین بن اسحاق، شاگرد و جانشین او (بعد از یک یا دو مدیر) بعنوان مدیر، این مؤسسه بحث خواهیم نمود. فرزند او اسحاق بن حنین (۹۱۰/۱۱ - ۸۴۵م)، ادامه دهنده راه پدرش بود. حمایت هیأت حاکمه از این مطالعات در طی این دوران بوئزه در دوران خلافت معتمد (۸۹۲ - ۸۶۹) و مرتدی (۹۰۲ - ۸۹۲م)^{۳۲} ادامه یافت.

این اهتمام عالی نسبت به دانش یونانی منحصر به

۲۵- ج. بیرجستر سر: «حنین بن اسحاق و ترجمه‌های سریانی و عربی آثار جالینوس» بحثهایی در شرقشناسی. جلد ۱۷، (۱۹۵۲)، شماره ۱، ص ۱۸ و ۱۹ (Test) و ص ۱۵ (ترجمه) - خطوط ایتالیک.

۲۶- بومستارک، ABDS، پیشین، ص ۱۳۴.

۲۷- بعنوان مثال، همانگونه که بومستارک ذکر نموده است (ABDS ص ۱۶۱ و mb) رساله مکاتباتی عرب (رساله) مولود مستقیم روش یونانی در عصر کلاسیک است. کندی اولین کسی بود که یک رساله منطقی بر اساس این روش در عربی نوشت.

۲۸- بروکلیمان، GAL، جلد ۱ ص ۱۱۷، جلد ۱۲، ص ۱۲۰ و ۱۲۱ و پیوست ص ۱۸۰.

۲۹- ارائه بعدی بر کتاب ب. ک. هیتی: «تاریخ عرب» استوار است. چاپ ششم، لندن ۱۹۵۶.

۳۰- نگاه کنید به: اولیری HGSPTA، ص ۱۶۶ و ۱۶۹ و خلیل جر: در مقولات ارسطو در ترجمه‌های سریانی عربی، (بیروت ۱۹۴۸)، ص ۳۱ - ۳۲؛ مایر هوف: «VNB» ص ۴۰۲ و ۴۰۳. همچنین مقاله «بیت الحکمة» جلد ۱، چاپ دوم.

۳۱- در منطقه حران، یحیی متصدی امور ترجمه از آثار یونانی بود که مسلمانان در خلال فتوحاتشان در آسیای صغیر در سال ۸۶۰م و بوئزه در آنقره (آنکارای کنونی) و عمودیه بدست آورده بودند. و بروکلیمان، پیوست ۱، «GAL»، ص ۴۱۶.

۳۲- گفته می‌شود که خلیفه اخیر، محققان بزرگ را در همه موضوعات در محوطه قصرش سکنی داد تا مردم بدانند کجا استادان را بیابند و برای آنها مقرری نیز تعیین کرد.

عالیترین سطح حکومت نمی‌گردید، بلکه تابعین خلیفه نیز از این مطالعات حمایت می‌کردند. یحیی بن خالد برمکی (۸۰۵ - ۷۴۰) مشاور و وزیر مشهور هارون الرشید فرمان اولین ترجمه کتاب «المجسطی» در حدود سال ۷۹۰ م را صادر نمود. فرزندش جعفر بن برمکی، جانشین پدر و وزیر هارون، نقش مهمی در گسترش مطالعه علم یونانی و بدست آوردن حمایت خلفا از آن ایفا نمود.^{۳۳} جبریل ابن بختیشوع (۸۰۵ م) پزشک شخصی هارون و مأمون و نیز یکی از اعضاء مبرز خانواده پزشکی نستوری، حامی همکیش خود حنین بن اسحاق، مترجم بزرگ بود. همچنین حنین مورد حمایت پسران موسی بن شاکر (متوفی ۸۴۰ م) که مورد علاقه مأمون بودند، قرار گرفت که آنها خود نیز به تحقیقات پویا در حوزه علم جدید یونانی می‌پرداختند. آنها از جمع‌آوری نسخه‌های خطی مربوط به علم و فلسفه یونانی حمایت می‌کردند و گشاده دستی‌شان با این حقیقت مشخص می‌گردد که حنین در قبال ترجمه هایش مستمری شاهانه ۵۰۰ دینار در ماه دریافت می‌نمود. سرانجام حنین در مقام پزشک شخصی خلیفه، متوکل، جایگاه والایق کسب نمود؛ جایگاهی که وی را قادر نمود تا از تداوم مطالعه علم یونانی (بویژه در زمانهای دشواری) که ما حاصل عمرش بود، حمایت نماید.

یعقوب ابن اسحاق کندی حدود ۸۷۳ - ۸۰۵ م)، عرب نجیب زاده بعنوان حامی ترجمه‌های آثار یونانی عمل می‌کرد. علاوه بر این او شخصاً نقش فعالی در مطالعه این کتابها ایفا نموده و حتی چندین رساله منطقی نیز تألیف نمود و بعنوان یک نویسنده پرکار و مبرز و تنها نویسنده عربی الاصل آثار فلسفی، مشوق ترجمه آثار فلسفی یونان بوده و حمایت خلیفه مأمون را بدست آورد. احتمالاً کندی (این یک گمان صرف است) نماینده مأمون در اداره بیت الحکمة بوده است.

مفهوم اجمالی این بررسیها واضح است. نجوم و بویژه پزشکی پلی بود که از طریق آن علم یونانی و فلسفه یونانی به اسلام در بغداد طی قرن اول حکومت عباسی راه یافت. تحت حمایت خلفا و طبقات بالا و اطرافیان‌شان (بویژه پزشکان شخصی خلفا) ترجمه و مطالعات تفسیری آثار فلسفی و علمی یونانی بسرعت به پیش می‌رفت که این خود بوسیله حمایت‌های مالی سخاوتمندانه، بیشتر تحریک می‌گردید. در این فضا

جایگاه محوری منطق در قملرو فکری محققان و پزشکان مسیحی شرقی (بویژه نستوریان) انتقالش به حوزه عربی را تضمین کرد.

۴- آثار منطق عربی قبل از سال ۹۰۰ میلادی:

اولین درآمد منطق یونانی به حوزه عربی حدود سالهای ۸۱۰ تا ۸۲۰ میلادی با ترجمه نخستین کتابهای ارغنون واقع شد. همچنین در این برهه مجموعه شروح مختصر از مطالب عمده کتب چهارگانه منطق پدید آمد. این آثار احتمالاً به محمد بن عبدالله ابن مقفع^{۳۴}، پسر گمنام عبدالله بن مقفع، نویسنده مشهور و مترجم افسانه فارسی «کلیله و دمنه» منسوب می‌باشد. این رساله منطقی آشکارا انگیزه اهتمام به منطق یونانی را فروکاست. بر طبق آخرین آگاهی ما، آثار منطقی محمد بن عبدالله مقفع نسبت به سایر آثار بومی عربی منطقی نزدیک به یک نسل تنها اثر موجود بود. حقیقت آنست که این کتابها بدلیل همراه داشتن نام ابن المقفع برای بیش از یک قرن مورد توجه بود.

در پایان نخستین دوران بیت الحکمة یعنی از حدود ۸۳۵ تا ۸۴۰، ترجمه‌های عربی (عموماً از سریانی شده بود) شش کتاب از «کتب هفت گانه منطق» در دسترس بودند. (مخالفت‌های الهیاتی بر ضد برهان) (آنالوطیقای دوم) بین مسیحیان سریانی، همان کسانی که همه این ترجمه‌ها را انجام داده بودند، رواج یافت)^{۳۵}. کتاب خطابه نیز بعرابی ترجمه شد. اگر چه ما می‌توانیم آنها را در اغلب موارد شناسایی کنیم، اما اطلاعات ما درباره بعضی از این مردان که کار ترجمه را انجام دادند، ناقص است.

مترجم کتاب ایساغوجی (Isagoge) ایوب بن قاسم رقی^{۳۶} بود که درباره وی بیش از این چیزی نمی‌دانیم. با وجود فقدان شواهد قطعی، تقریباً مطمئن هستیم که کتاب «مقولات» در همین دوره و احتمالاً بوسیله یحیی (یوحنا) ابن بطریق، مترجم مشهور، ترجمه شده بود^{۳۷}. نخستین

۳۳- برای اطلاعات بیشتر درباره حمایت جعفر برمکی از علم یونانی نگاه کنید به: اولیری، HGSPTA، ص ۷۷، ۱۵۰، ۱۵۱، ۱۵۹.

۳۴- اطلاعات تفصیلی درباره محققانی که از آنها نام بردیم و آثارشان در قسمت کتابشناسی که بخش دوم این کتاب را تشکیل می‌دهد، آمده است.

۳۵- درباره اولین ترجمه عربی از کتاب برهان نگاه کنید به: آر. والزر «NLATA» ص ۹۸ و ۹۹.

۳۶- براساس روایت قفطی نگاه کنید به: استننیدر AUG ص ۹۸.

۳۷- درباره این مترجم که درباره او نسبتاً اطلاعات خوبی داریم بویژه به مقاله: ام. دی. دون لوب که در حاشیه شماره ۴۱ آمده است

ترجمه کتاب «عبارت» نیز در همین زمان، گزارش گردیده، اما مترجمش ناشناخته مانده است. ترجمه بحث برانگیز «تئودور» از کتاب برهان^{۳۸}، توسط یوحنا ابن بطریق نیز ترجمه شده است^{۳۹}. ترجمه تئودور توسط حنین بن اسحاق بازبینی شده و به نسخه استاندارد بدل گشت^{۴۰}. (این یکی از معدود مواردی است که یک ترجمه منطق ما قبل عصر حنین بعنوان الگو باقی ماند).

بر اساس منابع عربی، ما مدرکی دال بر وجود (ما قبل حنین) ترجمه‌ای قدیمی از کتاب جدل در دست داریم^{۴۱}. نام نویسنده این نسخه تیماتیوس گزارش گردیده است. عبدالملیح ابن عبدالله ابن ناعمه کتاب مغالطه (سوفسطیقا) را در حدود سال ۸۳۰ میلادی بعربی برگردانده بود و بعدها بر این برگردان (حدود ۷۹۰ میلادی) ابو اسحاق ابن ابراهیم ابن باکرس العشایر تعلیقه نوشت^{۴۲}. همچنین ما نسبت به ترجمه قدیمی از کتاب خطابه (ریطوریکا) اطلاع یافته‌ایم اما نویسنده آن را نمی‌شناسیم^{۴۳}. درباره نخستین مجموعه از ترجمه عربی ارغنون ارسطون نکاتی را باید بیان داریم:

اولاً مسلماً باید میان قسمت عمده‌ای از این گروه ترجمه‌ها به‌مراه بخشی از آن تلاش مترجمانی که مأمون بعنوان پشتیبان آنها عمل کرده است فرق بگذاریم. بعضی از این مترجمان کسانی بودند که برای «دستمزد» ترجمه می‌کردند. کندی در دوره نخست اهتمامش بعلم فلسفه یونانی در زمره چنین افرادی قرار می‌گرفت. در مقابل، حامیان بعدی همچون فرزندان موسی بن شاکر از حنین بن اسحاق و مدرسه‌اش حمایت کردند، همانگونه که کندی بعدها چنین کرد.

ثانیاً ما بالاجبار با کسانی مواجه می‌گردیم که خودشان اصالتاً محقق منطق نبودند و فقط مترجم محض بودند. خالی از لطف نیست بدانیم که تلاشهای منطقی این اشخاص از حد یک ترجمه تجاوز نکرد و مطالعات و شروح مستقلی پدید نیاورد.

ثالثاً بنظر می‌رسد در عصر ترجمه‌های قدیم (ما قبل حنین ابن اسحاق) به مطالعه منطق اهتمام کمتری شده است. آثار منطقی بعنوان یک عمل مقدس ترجمه می‌گردید، این ترجمه‌ها آثار استاد فلسفه، ارسطو بود و ترجمه‌هایی که بنحوی با این موضوع ارتباط پیدا می‌نمود بدون توجه به محتویات آن، ترجمه‌ای در خور تلقی می‌گردید. (این نظر با فقدان کامل ترجمه‌های

قدیمی از هر گونه شرح یونانی منطقی در زبان سریانی همچون شروح سمبلتیوس، اسکندر، آمونیوس و تامسطیوس اثبات می‌گردد). حتی بنظر می‌رسد که کندی نیز اهتمام کمتری به این مقوله داشته، اما در عین حال از آن ناگزیر بوده است.

مترجمان اولیه در بیشتر اوقات (بااستثنای یحیی (یوحنا) بن بطریق) در بند متن بوده و لفظ بلفظ از سریانی بعربی ترجمه می‌کردند. این شیوه کار را حنین بن اسحاق بی‌اعتبار اعلام کرد و یک شیوه فنی و پیشرفته ترجمه توسط وی جایگزین آن شد.

این مطلب، ما را در اینکه چرا هیچیک از ترجمه‌های قدیمی آثار منطقی باقی نمانده‌اند، یاری می‌رساند. (تنها استثناء ترجمه تئودور (Theodor) از قیاس و ترجمه ابن ناعمه از کتاب مغالطه بودند که هر دوی آنها توسط مکتب حنین بن اسحاق تصحیح گردید). ترجمه‌های متأخر بر شیوه‌های پیشرفته حنین استوار بودند. بااستثنای مواردی که حنین و همکاران و شاگردانش بجای ترجمه مبادرت به تصحیح نسخه‌های موجود نمودند).

حنین بن اسحاق در ترجمه عربی متون فلسفی یونانی انقلاب عظیمی بوجود آورد. او نوآوریهای زیر را انجام داد:

- ۱- با مراجعه به منابع اصلی یونانی، چه بعنوان مبنای ترجمه مستقیم بعربی و چه برای ایجاد نسخ سریانی قابل اتکا که از آن بعداً یک ترجمه خوب عربی انجام شود.
- ۲- جمع آوری نسخ خطی گوناگون برای تشکیل یک متن موثق - (نگاه کنید به: والز NLATA، ص ۱۱۱ و ۱۱۲).
- ۳- ترجمه متون بر اساس معنا و مفهوم کلی عبارت و نه صرفاً ترجمه لفظ بلفظ.

مراجعه کنید.

۳۸- برای مطالعه به بخش «تئودور» به بخش دوم همچنان که ما را ارائه نمودیم، مراجعه کنید.

۳۹- د. م. ونلوپ: ترجمه‌های ابن بطریق و یحیی (یوحنا) ابن بطریق در JRAS، ۱۹۵۶ ص ۱۴۰ تا ۱۵۰ (نگاه کنید به ص ۱۲۹).

۴۰- والز، NLATA، ص ۱۰۷.

۴۱- استشنیدر: AGU، ص ۴۴. برای مشاهده ابن ندیم مراجعه کنید به: مولر GPAU، ص ۱۵، همچنین نگاه کنید به: ب. کراوس در مجله تحقیقات شرقی، شماره ۱۴ (۱۹۳۴) ص ۱ تا ۲۰.

۴۲- اسم وی ابن باکرس و نیز ابن باکوس آمده است. نگاه کنید به: استشنیدر: AUG، ص ۴۶. برای مدرک ابن ندیم نگاه کنید به: مولر GAPU، ص ۱۶.

۴۳- استشنیدر: AUG، ص ۴۸، و همچنین: ام. سترن در JRAS، ص ۱۹۵۶، ص ۴۲.

بر این اساس، حنین متن جدید سریانی از هر یک از کتابهای منطقی ارغنون فراهم کرد. او خودش همراه فرزندش، اسحاق و بهمکاری ابن عثمان سعید بن ایوب دمشقی و ابراهیم ابن عبدالله الکاتب، ترجمه‌های عربی همه آثار را بااستثنای برهان (آنالوطیقای دوم) و شعر آماده نمود. تکمیل این طرح وسیع کار دو نسل کامل بود (۹۰۰-۸۴۰ م) نتایج در جدول شماره یک خلاصه می‌شوند:

جدول شماره یک

ترجمه‌های عربی ارغنون ارسطو (تا زمان حنین و همکارانش)

اثر	مترجم متقدم	ترجمه حنین / ویرایش سریانی	مترجم از مکتب حنین
۱ کلیات خمس (مدخل)	ابن قاسم رقی	حنین	ابو عثمان دمشقی
۲ مقولات	ناشناخته	حنین	اسحاق
۳ عبارت	غیر معروف ^۱	حنین	اسحاق
۴ قیاس	الف: یحیی بن بطریق ب: تئودور	حنین / اسحاق	تئودور و تصحیح حنین
۵ برهان	_____ ^۲	حنین / اسحاق	_____
۶ جدل	طیمائثوس	اسحاق	ترجمه اش را ابو عثمان دمشقی آغاز نمود و ابن عبدالله تکمیل کرد.
۷ مغالطه	ابن ناعمه	اسحاق	تصحیح ابن ناعمه
۸ خطابه	ناشناخته ^۳	اسحاق	ابن عبدالله
۹ شعر	_____	اسحاق (احتمالاً)	_____

۱- این ترجمه مستقیماً از یونانی برگردانده شد (استشیدر AUG، ص ۴۰) که بخشی از آن در کتاب تلخیص شده هوفمان آمده است. (ص ۵۵)، لایبیک، ۱۸۷۳ چاپ دوم بدون تغییر.

۲- احتمالاً یک ترجمه قدیمی غامض از کتاب برهان در عربی (یا خلاصه شده آن) وجود داشته است که توسط maraya ترجمه شده است. نگاه کنید به: NLATA، ص ۱۳۰ و ۱۳۱.

۳- درباره این ترجمه قدیمی نگاه کنید به: استشیدر، AUG

است گفته شود که این تلاش توسط کندی آغاز شده است که نقش او در مقابل مترجمان متقدم، نقش حامی و پشتیبان دستاوردهایشان بوده و همچنانکه مشتری علمی آثارشان نیز بوده است^{۴۴}. حنین و پسرش اسحاق هیچکدام کتاب مستقلی در منطق تألیف نکردند. در این خصوص، اولین جانشین کندی، ثابت بن قره، یکی از اعضاء بیت الحکمة شروسی بر همه آثار منطقی نوشت که بعدها در اختیار مسلمین قرار گرفت. یکی دیگر از نویسندگان فعال و مطرح مسلمان در حوزه منطق قبل از

همانطور که در بالا اشاره شد، تلاشهای مسلمانان در تدوین و ترجمه منطق نخستین انگیزه‌هایش را از علاقه به مطالعات پزشکی گرفت. بنابراین شگفت‌انگیز نیست که رسایل منطقی جالینوس توجه مترجمان را به خود جلب نماید. (بویژه کسانی که متخصص طب جالینوس در مدرسه حنین بودند). شروح یونانی بر کتب منطقی ارسطو در خلال مرحله دوم نیز ترجمه شدند. علاوه بر آثار ارسطو، آثار اسکندر افرودیسی (که خیلی متداول بود) فرفورئوس (قیاس منطق موضوعی مانند ایساغوجی) تامسپیوس، آمونیوس و فیلوپونس بعربی ترجمه شدند. همچنانکه متون بهتر آثار منطقی یونانی در دسترس عربها قرار می‌گرفت و اهتمام به علم و فلسفه یونانی رواج بیشتری می‌یافت، تطور عربی ارسطویی در خلال شروح و مطالعات مستقل شکل گرفت. ممکن

۴۴- در میان مترجمان متقدم (ما قبل عصر حنین) آثار یونانی که برای دستمزد برای کندی ترجمه می‌کردند می‌توانیم از مترجم مسیحی یعنی عبدالمسح و عبدالله ابن ناعمه که کتاب مغالطه والهیات ارسطو را بعربی ترجمه کردند و نیز عسات (یا عطاء) که کتاب متافیزیک را بعربی ترجمه کردند نام ببریم. (نگاه کنید به: والز، NLATA، ص ۹۹).

مرگ حنین، احمد ابن محمد ابن طیب سرخسی شاگرد کندی بود که خلاصه «کتب چهارگانه» منطق را فراهم آورد و همچنین دیگر معاصر وی حبیب ابن بهریز این آثار را خلاصه نمود.

با مرگ حنین در سال ۸۷۷ م به نقطه اوج مرحله دوم تطور منطق اسلامی می‌رسیم. مترجمان متقدم آثار منطقی از صحنه خارج شدند و روشهای پیشرفته فلسفی آثار کم فایده را نیز تقریباً بیرون کرده بود.

حنین زمینه فراهم آوردن متون خوب عربی از آثار منطقی یونانی را مهیا ساخته بود و خودش برنامه ترجمه را آغاز کرده بود و نیز جانشینانش را برای ادامه کارش آموزش داده بود. در جدول شماره ۲، مترجمان دوره اول ثبت شده‌اند.

هنوز در آغاز راه بود. ادامه دهنده کار منطقی حنین و همکارانش، ابو بشر متی ابن یونس، تقریباً یک نسل جوانتر از اسحاق بن حنین بود. اساتید ابوبشر متی (که شامل ابویحیی مروزی و ابو اسحاق ابن ابراهیم قویری بود). دقیقاً از معاصران اسحاق ابن جنید بودند. هیچکدام از این افراد (بصورت آشکارا) ارتباطی با مکتب حنین بن اسحاق نداشتند. بنظر می‌آید که آنها از یک جریان فکری کاملاً متفاوت نشأت گرفته‌اند. بعنوان مثال، این گروه بر برهان (آنالوطیکای دوم) تأکید داشتند تأکیدی که با سنت قطعی مکتب حنین بن اسحاق مغایرت داشت. بنابراین ما با ابو بشر متی به سلسله منفصل کامل در سلسله منطقدانان مسلمان نمی‌رسیم.

جدول شماره ۲

منطق دانان عرب: حدود ۸۰۰-۹۰۰ م.

حدود ۸۲۰ تا ۹۱۲ م	قسطنطین لوقا	۱۳	۷۲۳ تا ۸۲۸ م	طیمانثاوس	۱
۸۳۰ تا حدود ۸۹۰ م	جیش ابن حسن	۱۴	حدود ۷۵۰ تا ۸۱۵ م	محمد ابن مفتح	۲
۸۳۴ تا ۹۰۱ م	ثابت بن قره	۱۵	حدود ۷۷۰ تا ۸۳۰ م	یحیی (یوحنا) ابن بطریق	۳
حدود ۸۴۰ تا ۸۹۹ م	سرخسی	۱۶	حدود ۷۸۰ تا ۸۴۰ م	برمکی؟	۴
حدود ۸۴۰ تا ۸۹۹ م	بمقوبی	۱۷	حدود ۷۸۰ تا ۸۴۰ م	ابن قاسم رقی	۵
حدود ۸۴۰ تا ۹۱۰ م	ابویحیی مروزی	۱۸	حدود ۷۸۰ تا ۸۴۰ م	ابن ناعمه	۶
حدود ۸۴۵ تا ۹۱۰/۹۱۱ م	اسحاق ابن حنین	۱۹	حدود ۷۸۰ تا ۸۵۰ م	تئودور (تدهاری)	۷
حدود ۸۵۰ تا ۹۱۰ م	عیسی ابن یحیی	۲۰	حدود ۷۹۰ تا ۸۵۷ م	یوحنا ابن ماسویه	۸
حدود ۸۵۵ تا ۹۱۵ م	قویری	۲۱	حدود ۸۰۰ تا ۸۶۰ م	حبیب ابن بهریز	۹
حدود ۸۶۰ تا ۹۱۲ م	ابو عثمان دمشقی	۲۲	حدود ۸۰۵ تا ۸۷۳ م	کندی	۱۰ (***)
حدود ۸۶۰ تا ۹۲۰ م	ابن حیلان	۲۳	۸۰۹ تا ۸۷۷ م	حنین بن اسحاق	۱۱ (***)
حدود ۸۶۰ تا ۹۲۳ م	ابن زهرون	۲۴	حدود ۸۱۵ تا ۸۷۳ م	محمد ابن موسی	۱۲ (***)
از ۸۶۵ تا حدود ۹۲۵ م	رازی	۲۵			

* مترجم ماقبل حنین عصر مأمون.
 ** مترجم وابسته به مکتب حنین ابن اسحاق
 (***) حامی مکتب حنین بن اسحاق
 ■ معلم منطق در سنتی که به ابی بشر متی ابن یونس و فارابی منتهی می‌شود.

بهر حال، تعقیب این موضوع باید تا قسمت بعدی مطالعه ما پیرامون تطور منطق اسلامی بتعمیق افتد.

اما همه اینها یک سرآغاز بود. حنین و دستیاران جوانش با مهارت ارغنون را در دسترس مسلمین قرار دادند. فعالیت کنونی مطالعات منطقی در حوزه اسلامی

۵- فرآیند تطورات منطق اسلامی در قرن اول
پیدایش آن:

سیر کلی در تطور مطالعات منطقی قرن اول در محیط عرب‌زبانان هم اکنون مرور شده و نتیجه اجمالی آن در ادامه ذکر می‌گردد:

۱- در یک تلاش هماهنگ تحت حمایت طبقه هیأت حاکمه، یک گروه از مترجمان (همه یا تقریباً اکثراً مسیحی سریانی) در خلال سالهای ۸۲۵ تا ۸۴۰ م، کتب چهارگانه منطق و جدل و مغالطه و خطابه را عبری برگرداند. این ترجمه‌ها - عموماً از سریانی - که اصولاً متمایل به ترجمه لفظ بلفظ و ناپخته بودند با اصطلاحات یونانی وارد شده به عربی در آمیخته که دسترسی به یک متن قابل فهم در عربی را غیرممکن می‌ساخت.

۲- ترجمه‌های متقدم بوسیله نسل دوم مترجمان منطق عربی یعنی حنین ابن اسحاق و شاگردانش و بویژه فرزندش اسحاق مردود اعلام گردید. در خلال سالهای ۸۳۵ تا ۸۹۰ این مردان بشیوه پیشین به متون یونانی بازگشتند و نسخ خطی را مقابله نموده و ترجمه‌هایی نهایی را بسجود آوردند. (معمولاً از طریق سریانی) خواه ترجمه‌های جدید باشد - در یکی یا در مورد - یا از طریق رجوع به ترجمه‌های قدیمی متن صورت گرفته باشد.

۳- حنین و دستیارانش (بویژه فرزندش اسحاق) همچنان شروع متعدد یونانی به حوزه آثار منطقی (از طریق سریانی) و وسایل کمکی دیگری برای مطالعه و تعلیم منطق فراهم نمودند که این وسایل در آکادمی‌های نستوری مورد استفاده قرار می‌گرفت.

۴- از میان کارهایی که طی سالهای ۸۳۰ تا ۸۷۰ میلادی انجام گرفت، آشکارا می‌توان گفت که کنندی اولین خلاصه‌ها و تحقیقات مستقل اصیل (غیر ترجمه) متون منطقی را در زبان عربی پدید آورد. موفقیت وی در این کار با همکاری شاگردش سرخسی (فعالیت وی طی سالهای ۸۶۰ تا ۸۹۹ بود) بدست آمد، همان کسی که کتب چهارگانه را خلاصه نموده بود. همچنین ثابت بن قره (۸۵۵ تا ۹۰۱ م) شاگرد حنین نیز کتب چهارگانه را تلخیص کرده بود.

بنابراین در پایان دورانی که ما از آن بحث می‌کنیم، تمام کتابهای یونانی / سریانی ارغنون ارسطو - بااستثنای کتاب برهان (آنالوطیکای دوم) و شعر - بزبان عربی، در دسترس بودند. همچنین (کتابهای) کمکی مختلفی برای

مطالعه ارغنون ترجمه شده و تعدادی هم بزبان محلی (بطور مستقل) فراهم شده بود. منطق بطور جدی ریشه دوانده بود تنها آثار منطقی تقریباً مستقل ملخصات و معدودی از رسائل موجز از شروع مقدماتی بودند که بوسیله کنندی و تابعان مستقیمش نوشته شده بودند. بنابراین اگر چه زمینه مطالعات منطقی در اسلام فراهم گردیده بود، اما هنوز کار جدی آغاز نشده بود. این دوره در تطور منطق اسلامی نقش فعالی داشت^{۴۵}.

فارابی - که کارهای ثمربخش او در حدود سالهای ۹۰۰ م آغاز گردید و از نخستین محققان مسلمان علم منطق بشمار می‌رود که بحق سزاوار عنوان منطقدان می‌باشند - در انتهای این دوره - که ما از آن در این فصل بحث نمودیم - قرار دارد.

منابع

کرم، یوسف

تاریخ الفلسفة الاوروبیة فی العصر الوسیط بیروت، دارالعلم، بی تا.

لاهیجی، محمد جعفر

شرح رساله مشاعر، تصحیح آشتیانی چاپ دوم، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، بی تا.

مصباح یزدی، محمد تقی

تعلیقه علی نهایه الحکمة، چاپ اول، قم، مؤسسه در راه حق ۱۴۰۵ هـ.

مطهری، مرتضی

آشنایی با علوم اسلامی (دوره کامل) چاپ اول، قم، دفتر انتشارات اسلامی، بی تا.

اصول فلسفه و روش رئالیسم (ج ۱ تا ۵) چاپ دوم قم انتشارات صدرا، ۱۳۷۵.

الهیات شفا (ج ۱ تا ۳) چاپ اول، انتشارات حکمت، ۱۳۶۹، ۱۳۷۰، ۱۳۷۶.

میری، سید محسن

فهرست موضوعی کتاب الحکمة المتعالیة فی الاسفار الاربعه العقلیة (به همراه محمد جعفر علمی) چاپ اول، تهران انتشارات حکمت، ۱۳۷۴.

ولفسن هاری اوسترین

فلسفه علم کلام، ترجمه آرام، تهران، انتشارات الهدی، ۱۳۶۸.

* * *

۴۵- برای کسب اطلاعات خاص درباره ترجمه‌های عربی آثار ارسطو به عبدالرحمن بدوی نگاه کنید به: «نسخ خطی ارسطوی در عربی»، قاهره، ۱۹۵۹، بزبان عربی.